

فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش‌های ادبی - قرآنی»

سال سوم / شماره چهارم / زمستان ۱۳۹۴

بینامتنیت آیات و روایات در گلستان سعدی

احمد رضا یلمه ها^۱ و مسلم رجیبی^۲

چکیده

بینامتنیت گویای این امر است که هر متنی در برهه‌ای از زمان، تحت تأثیر آثار قبل خود بوده و با تغییر و تحول آثار پیشین، به خود هویتی متنی بخشیده است. اگر این متن نوین را بشکافیم، می‌توان به وضوح و البته با دقت و تأمل، ارجاعاتی به آثار قبل آن دید. اگر خواسته باشیم به عبارتی دیگر توضیح دهیم، این است که هر نویسنده‌ای در بنیان و اساس آرا و افکارش می‌تواند، اندیشه‌ها و تفکرات افکار دیگر نویسندگان و ادبا و شعرا را دید. همین دیدگاه بینامتنیت نام دارد که در سایه سار این نوع نگرش، هر متنی زاینده‌ی آرا و اندیشه‌های متون قبل خویش است. در این باره، بلوم می‌گوید که هنرمند متأخر همیشه در اضطراب تأثیرگذاری از هنرمند پیشین است که مبادا کارش به کپی برداری محض تبدیل شود. بسیاری از شعرا و ادبا در حین کاربرد مضامین، افکار، حکایات، تمام‌اهتمام خود را در این مصروف می‌دارند که از الفاظ و تراکیب و عبارات قرآنی بهره می‌گیرند. یکی از این نویسندگان زبر دست، سعدی شیرین سخن است که در حدّ وسیع از آیات وحی و احادیث اهل بیت علیهم السلام در گلستان همیشه خوشش از قرآن و نهج البلاغه استفاده کرده است. این پژوهش با هدف نمایاندن بینامتنیت قرآنی و نهج البلاغه در گلستان صورت گرفته است تا در پایان بتوان با رنگ و روی قرآنی و سخنان مولا علی ابن ابی طالب علیه السلام در گلستان سعدی بیش از پیش آشنا شد.

واژه‌های کلیدی: قرآن کریم، روایات، بینامتنیت، سعدی، گلستان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجله علمی علوم انسانی

**تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۱۱/۱۱ تاریخ پذیرش ۱۳۹۵/۰۲/۲۱

^۱استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد واحد دهقان

^۲دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری

۱. مقدمه

در اواخر دهه ی شصت میلادی - بین سال های ۱۹۶۵ تا ۱۹۶۷ نظریه ای شکل گرفت که از طریق بررسی های ژولیا کریستوا زبانشناس بلغاری در آثار باختین ، (مکاریک، ۱۳۸۵: ۷۲؛ انجینو، ۱۹۸۷: ۱۰۱) پایه ریزی شد که بعدها به بینامتنیت مشهور شد. بینامتنیت از ارتباط وسیع و ضروری صحبت می کند که بین یک متن یا متون دیگر وجود دارد؛ پیوندی دوسویه و تنگاتنگ متن حاضر با سایر متون اگر نگرش ما به متن، از دیدگاه بینامتنیت باشد، ثمره ای شیرین هم چون معنا دهی متن جدید دارد که در سایه سار آن می توان معانی متنوع و مختلفی برای متن متصور شد. بینامتنی یعنی خواندن متن با توجه به متون دیگر و مبتنی بر این اندیشه است که متن، نظامی بسته و مستقل نیست و هیچ متنی در خلأ پدید نمی آید و خواسته یا ناخواسته با متون دیگر ارتباط دارد. بارت معتقد است که هر متن در حقیقت نقل قول هایی است از هزاران قائل بی نام و نشان، نقل قول هایی که در نگارش آن ها علامت نقل قول را نگذاشته اند (شمیسا، ۱۳۷۸: ۳۵۹). اینک ما برآنیم تا بینامتنیت قرآنی و نهج البلاغه را در گلستان همیشه خوش سعدی شیرین سخن به بحث و. بررسی بکشانیم.

سعدی شیرازی با خلق آثار خویش چنان در آسمان ادب پارسی درخشیده که «هنوز پس از گذشت هفت قرن تمام ، این اثر تا زبان پارسی برجاست هم چنان برقرار خواهد ماند». (صفا، ۱۳۵۱: ۵۸۵/۳). بنا به اقوال گویندگان با ظهور سعدی «نظم و نثر فارسی به بالاترین درجه ی فصاحت و بلاغت خود رسیده» (موحدی ، ۱۳۷۷: ۷۷). به راستی که سعدی با خلق آثارش، به حفظ و حراست از زبان فارسی کمک والایی کرده است. در مورد نقش سعدی در ترویج زبان فارسی به غیر فارسی زبانان و مقبولیت جهانی وی همین بس که شعر زیبای «بنی آدم اعضای یک پیکرند» او بر سر در رسمی ترین سازمان ، یعنی؛ سازمان ملل متحد منقوش شده و فریاد ایرانی بودن وی و احیای زبان فارسی و ترویج آن در میان غیر فارسی زبانان توسط او، برای همیشه ثبت و ضبط است. از آن جایی که وی مقرب درگاه خاندان سعد بود، تخلص خود را سعدی انتخاب کرد. «در آن عهد کسانی بودند که در شیراز از نعمت خاندان سعد مستفید می شده اند و آنان را بندگان بنی سعد می نامیده اند. هم چون نظامیه ها در دوران خواجه نظام الملک که از بندگان او محسوب می شده اند» (زرین کوب، ۱۳۷۹: ۶۷). سعدی از جمله نویسندگانی است که چه در زمان حیات و چه پس از رحلتش، قصب الجیب حدیثش را همچون شکر می خورند و رقعہ منشاتش را چون کاغذ زر می برند . سعدی را برخی «مرد آفاق

پوی فراخ عیش لذت جوی» می دانند(زرین کوب، ۱۳۸۴ : ۳۲۸). این پژوهش سعی دارد تا به نقد و بررسی آیات نورانی وحی و روایات به ویژه سخنان دربار حضرت علی ابن ابی طالب علیه السلام در نهج البلاغه بپردازد. موضوع به جهت اهمیت می تواند نتایجی ارزنده در برداشته باشد.

۲. مسأله ی پژوهش

الف) آیا سعدی در گلستانش آیات وحی را به کار برده است؟

ب) آیا می توان مضامین روایات اهل بیت علیهم السلام را در گلستان سعدی باز جست؟

ج) سعدی در نگارش گلستان، از دیدگاه بینامتنیت آیا به قرآن و روایات نظر داشته است ؟

۳. فرضیه ی پژوهش

چنین به نظر می رسد که سعدی در گلستان همیشه خوشش، هم آیات کلام الله، را گنجانده است و هم از مضامین اخلاقی نهج البلاغه سود جسته است. چنین به نظر می رسد که از دیدگاه بینامتنیت شاید بتوان گفت که سعدی به بهترین وجه از قرآن و روایات و به ویژه نهج البلاغه مولا علی ابن ابی طالب علیه السلام در کلام خویش استفاده کند. در ذیل به همه ی این پرسش ها و فرضیه ها پاسخی روشن و دقیق داده خواهد شد.

۴. پیشینه ی پژوهش

اگرچه راجع به گلستان سعدی تحقیق های گسترده ای به قرار زیر صورت گرفته است :
مرادی محمدهادی، رضاعی فرزین . (۱۳۸۹). بررسی گلستان سعدی با تکیه بر یافته های روان تحلیل گری، فصلنامه شعر پژوهی بوستان ادب - علوم اجتماعی و انسانی؛ سیدان الهام، ابن الرسول سیدمحمد رضا . (۱۳۸۸). نقد و بررسی عبارات بحث انگیز گلستان سعدی در ترجمه عربی آن، فصلنامه پژوهش های ادب عرفانی (گوهر گویا)؛ پهلوان نژاد محمد رضا، شیرین زاده سیدعلیرضا. (۱۳۸۸). بررسی جنبه های شفاف سازی در برخی از ترجمه های فارسی به انگلیسی گلستان سعدی بر مبنای بافتی متناظر، فصلنامه جستارهای ادبی؛ سرمد غلامعلی. (۱۳۸۹). اشارات مدیریتی گلستان سعدی و کاربردهای آموزشی آن، فصلنامه تحقیقات مدیریت آموزشی؛ سمیعی گیلانی احمد، نجفی ابوالحسن . (۱۳۷۴). پاره های موزون در گلستان سعدی، نامه فرهنگستان؛ موسوی مصطفی، نوح پیشه حمیده، سیدقاسم لیل. (۱۳۹۰). مضامین مشترک در گلستان سعدی و امثال و حکم عربی، فصلنامه ادبی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران؛ رضوانیان، قدسیه. (۱۳۹۱). خوانش گلستان سعدی بر اساس نظریه تقابل های دوگانه، فصلنامه ادب فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران؛ و... ولی، به

پژوهشی که گلستان را از دیدگاه بینامتنیت قرآن و روایات مورد بحث و بررسی قرار دهد، کمتر اقبال نشان داده شده است. اهمیت موضوع ما را به انجام این پژوهش ترغیب و تحریض نمود.

۵. بینامتنیت آیات و روایات در گلستان سعدی

قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام دو حصن حصینی هستند که چنگ زدن و تمسک به آن انسان را به سرمنزل مقصود رهنمون می‌سازد. این دو یادگار ارزشمند نبوی، انسان را دارای شخصیت والا و برتر و هدف‌گایی و نهایی خلقت معرفی می‌نمایند. از منظر قرآن کریم ممکن است همین انسان که کمال ذاتی خود را به تدریج یا به سرعت و یا به کندی از راه به دست آوردن استعدادهای تازه کسب می‌کند، در اثر آن استعدادها حاصله به مقامی از قرب و به حدی از کمال برسد که مافوق حدی باشد که ملائکه با نور ذاتیشان در ابتدای وجودشان رسیده‌اند. نهج‌البلاغه هم چون قرآن کریم، تأثیر گسترده‌ای بر ادبیات عربی و فارسی گذاشته است. و نیز در نزد ادیبان و دانشمندان و گویندگان و سخنوران توانمند شناخته و پرآوازه بوده است و بر مورخان و اهل حکمت و فرزندان و استادان رشته‌های گوناگون علوم و معارف اسلامی، از عرب زبان گرفته تا فارسی‌گوی و پارسی‌نویس، تأثیر می‌گذاشته است. لذا انسان صاحب کمالی هم چون سعدی بعید به نظر می‌رسد که در نگارش گلستانش به این دو منبع روحانی و معنوی نظر نداشته باشد. سعدی با نوشتن گلستان نه تنها در نثر فارسی مبدع شد، بلکه ادب فارسی را بلند آوازه کرد و دیگران را به پیروی واداشت (خزائی، ۱۳۶۹: ۱۸). حتی نویسندگان خارجی، زبان به تصحیح او می‌گشایند، از جمله: «امرسن» سعدی را در کنار «شکسپیر» و «دانته» و «هومر» قرار داده و ستوده است (قمشه‌ای، ۱۳۸۱: ۲۴). طرز بیان سعدی در گلستان اندیشه‌ی «لوکرس» شاعر رومی را فرا یاد می‌آورد (هانری ماسه، ۱۳۶۴: ۲۵۳). «ارنست رونان» راجع به وی می‌گوید: سعدی واقعاً یکی از گویندگان ماست (زرین کوب، ۱۳۷۱: ۱۷۹). «امرسن» گفته: در شعر سعدی خورشیدها طلوع و غروب می‌کنند (یوسفی، ۱۳۷۴: ۲۳). و در نهایت این که امرسون، کتاب گلستان را یکی از کتب مقدسه‌ی دیانتی جهان می‌داند (دشتی، ۱۳۴۴: ۲۲۷). بهار سال ۶۵۶ هـ ق سرفصل جدیدی در تاریخ ادبی ایران به شمار می‌رود؛ زیرا شیخ فرزانه‌ی شیراز دست به نگاشتن کتابی می‌زند با عنوان «گلستان»، که اگر، بگوییم در تاریخ ادب فارسی بی‌نظیر است، سخنی به‌گراف نگفته ایم، کتابی که از عجائب نوشته‌های زبان فارسی و از نوادر کتب حیرت‌انگیز ادبی جهان است (وصال، ۱۳۴۹: ۱۶۰). گلستان، نسبت به بوستان، عمق مطالبش کمتر، ولی، نبوع و مضمون

هایش بیشتر است (حقیقت ، ۱۳۶۸: ۲۷۸). این کتاب دارای شیوه‌ی مختلطی از نثر مُرسل با نثر موزون مسجّع است (رزمجو ، ۱۳۷۰: ۱۵۵). که در حقیقت روش نگارش آن، سبک بینابین «موزون مُرسل و موزون فتنی» است. آری ذکر جمیل سعدی که در افواه عوام افتاده است ، و صیت سخنش که در بسیط زمین رفته و قصب الجیب حدیثش که هم چون شکر می‌خورند و رقعهای منشآتش که چون کاغذ زر می‌برند. و فور مضامین اخلاقی در گلستان همیشه خوش سعدی باعث شده است که ادب دوستان برای تهذیب نفس و زدودن غبار از دل خویش ، دل به موعظه‌های این کتاب بسپارند. اینک در این پژوهش، قرآن و نهج البلاغه به عنوان متن غایب و گلستان سعدی به عنوان متن حاضر و روابط بینامتنی قرآن و نهج البلاغه با گلستان سعدی به عنوان عملیات تناص محسوب می‌شود که به بررسی بینامتنیت واژگانی، معنایی و حوادث و شخصیت‌های قرآنی ... می‌پردازد. در قالب نظریه بینامتنیت ضمن تبیین و تفسیر روابط بینامتنی گلستان سعدی با آیات قرآن و نهج البلاغه، میزان کارکرد و تأثیر این مفاهیم در شعر وی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

۱-۵. بینامتنیت واژگانی

۱-۱-۵. إِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا

متن غائب: وَ الَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَ إِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا : و کسانی که شهادت به باطل نمی‌دهند (و در مجالس باطل شرکت نمی‌کنند)؛ و هنگامی که با لغو و بیهودگی برخورد کنند، بزرگوارانه از آن می‌گذرند. (الفرقان / ۷۲)
متن حاضر:

یکی بر سر راهی مست خفته بود و زمام اختیار از دست رفته ، عابدی بر وی گذر کرد و در آن حال مستقبح او را نظر کرد . جوان از خواب مستی سربرآورد و گفت: إِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا (سعدی، ۱۳۷۴: ۲۲۰).

عملیات بینامتنی:

چنان که ملاحظه می‌شود در آیه ی فوق (إِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا) مراد از مروا کراما ، همان در گذشتن از خطا و اشتباه می باشد که سعدی شیرازی از آن برداشتی ادبی کرده است و گذشتن عابد و حیران ماندن او را با این آیه جواب می دهد تا به نوعی او را دعوت به چشم پوشی و عفو وی نماید. صاحب مجمع البیان در معنای کلمه " کراما" گفته است: معنای اینکه

بگوییم فلانی از فلان عمل زشت تکرم دارد، این است که: از چنین عملی منزّه است، و نفس خویش را از آلودگی به امثال آن منزّه می‌دارد (موسوی، ۱۳۷۴: ۱۵ / ۳۳۸)

۵-۱-۲. وَإِنْ جَاهِدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا

متن غائب:

وَ وَصَيْنَا الْإِنْسَانَ بَوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهِدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ: ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، و اگر آن دو (مشرک باشند و) تلاش کنند که برای من همتایی قائل شوی که به آن علم نداری، از آنها پیروی مکن! بازگشت شما به سوی من است، و شما را از آنچه انجام می‌دادید با خبر خواهم ساخت! (العنکبوت / ۸).

متن حاضر:

«بزرگی را پرسیدم از سیرت اخوان صفا گفت: آنکه مراد خاطر یاران بر مصالح خویش مقدم دارد و حکما گفته‌اند برادر که در بند خویش است است، نه برادر و نه خویش است

چون نبود خویش را دیانت و تقوی/قطع رحم بهتر از مودت قریبی

یاد دارم که مدعی در این بین بر قول من اعتراض کرده بود و گفته: حق تعالی در کتاب مجید از قطع رحم نهی کرده و به مودت ذی القربی فرموده و این چه تو گفتی مناقض آنست. گفتم غلط کردی که موافق قرآن است و «وَإِنْ جَاهِدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا» آدمی را توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند و اگر آندو بکوشند که تو برای من شریک آوری در چیزی که بدان آگاهی نداری از آن دو اطاعت مکن»

(سعدی، ۱۳۷۴: ۲۲۸)

عملیات بینامتنی:

سعدی شیرازی آیه ی (وَإِنْ جَاهِدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا) را که در حقیقت برای شرک ورزیدن والدین بوده است، برای ادای مقصود و کلام خویش بر می‌گزیند و در سیرت اخوان صفا آن را گنجانده و از آن کارکردی ادبی طلبیده است.

۵-۱-۳. وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا

متن غائب:

وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا: بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید (الأعراف: ۳۱)

متن حاضر:

یکی از حکما پسر را نهی می کرد از بسیار خوردن که سیری مردم را رنجور کند گفت :
اندازه نگهدار و کُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا (سعدی، ۱۳۷۴ : ۲۴۹)
عملیات بینامتنی:

چنان که ملاحظه می شود، آیه ی فوق برای پرهیز از اسراف و تبذیر آمده است و سعدی شیرازی این فراز از آیه ی نورانی را در کلام خویش، در همین مضمون به کار برده است. و نتیجه ی عدم این کار را رنجوری تن و مریضی دانسته و خواهان اجتناب از اسراف است.
۴-۱-۵. انْ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ

متن غائب: وَ أَصِدُّ فِي مَشِيكَ وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ :
(پسرم!) در راه رفتن، اعتدال را رعایت کن؛ از صدای خود بکاه (و هرگز فریاد مزین) که زشت ترین صداها صدای خران است. (لقمان / ۱۹)
متن حاضر: خطیبی کریه الصوت خود را خوش آواز پنداشتی و فریاد بیبده برداشتی، گفتی
نعیب

غراب البین در پرده الحان اوست یا آیت انْ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ در شأن او (سعدی، ۱۳۷۴ : ۳۲۵)
عملیات بینامتنی :

سعدی آیه ی زشت ترین صداها را که به حیوان نسبت داده شده را به ناخوش آوازی نسبت می دهد که گویی آیه ی انکر الاصوات در ذم وی نازل شده است.
۵-۱-۵. كَطْمِ غَيْظِ

متن غائب: وَأَكْطِمِ الْغَيْظَ وَتَجَاوَزْ عِنْدَ الْمَقْدِرَةِ (دستی، ۱۳۸۰ : ۱۳۵)
متن حاضر : بربنده مگیر خشم بسیار / جورش مکن دلش میازار (سعدی، ۱۳۷۴ : ۲۴۹)
عملیات بینامتنی :

سعدی شیرین سخن، کظم غیظ در کلام مولا علی ابن ابی طالب علیه السلام را برای ادای مقصود خویش بر گزیده و می گوید که بر فرودست نباید سخت گرفت و وی را دل آزرده کرد. چرا که عدم کنترل خویش در هنگام خشم، صدمات جبران ناپذیری به بار خواهد آورد.
۲-۵. بینامتنیت معنایی

۱-۲-۵. شکر و سپاسگزاری از خداوند متعال

متن غائب: الْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَاصِلِ الْحَمْدِ بِالنَّعْمِ وَالنَّعْمَ بِالشُّكْرِ : ستایش خداوندی را سزاست که حمد و ستایش را به نعمت‌ها، و نعمت‌ها را به شکرگزاری پیوند داد! خدای را بر نعمت‌هایش آنگونه ستایش می‌کنیم که بر بلاهایش (دشتی، ۱۳۸۰: ۲۲۱).

متن حاضر:

مَنْتِ خدای را عَزَّوَجَلَّ که طاعتش موجب قُرْبت است و به شکر اندرش مزید نعمت، هر نَفْسِی که فرو می‌رود مُمَدِّ حیات است و چون بر می‌آید مَفْرَحِ ذات. پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب. از دست و زبان که بر آید/ کز عهده شکرش به در آید؟ (سعدی، ۱۳۷۴: ۲۰)

عملیات بینامتنی:

در قرآن کریم و به تبع آن مولای متقیان حضرت علی ابن ابی طالب علیه السلام بارها به موضوع شکر در برابر نعمت خداوند، اشاره شده است. از اینجا می‌توان پی برد که سپاس و شکرگزاری‌ها چه جایگاه و ارزش و اعتباری در آموزه‌های وحیانی دارد. قرآن با توجه به روحیات آدمی به این نکته اشاره می‌کند که آدمی نسبت به نعمت و نعمت دهنده شکرگزار نیست و به جای این که سپاس گزار نعمت دهنده باشد و یا کفران نعمت نکند، ناسپاسی می‌کند. نیک می‌دانیم که شکر و سپاس، به عنوان فضیلتی اخلاقی مورد تایید و تاکید عقل و عقلا به خصوص سعدی شیرازی است. می‌توان جلوه‌های شکر و سپاسگزاری از نعمات الهی در کلام سعدی را در حدیث نورانی فوق از آقا علی ابن ابی طالب علیه السلام به وضوح دید.

۲-۲-۵. اجل و روزی

متن غائب: فَلَيْسَ كُلُّ طَالِبٍ بِمَرْزُوقٍ وَ لَا كُلُّ مُجْمَلٍ بِمَحْرُومٍ (دشتی، ۱۳۸۰: ۳۱)

متن حاضر:

صیاد بی روزی در دجله ماهی نگیرد و ماهی بی اجل در خشکی نمیرد، به نانهاده دست نرسد و نهاده هر کجا هست برسد (سعدی، ۱۳۷۴: ۳۳۵)

عملیات بینامتنی:

گذر عمر حقیقتی است که آدمی را شاید به طمع و حرص جمع‌آوری مال دنیا بیشتر ولوع و حریص کند چرا که به گمان ناقص خویش شاید روزی را در تلاش و سعی بیشتر دانسته باشد. ولی سعدی با اشاره به حدیث نورانی مولای علی ابن ابی طالب علیه السلام به خوبی پرده از روی این حقیقت برداشته که هر کس اجلی و روزی معینی دارد.

۳-۲-۵. رابطه ی زبان و فضل و هنر

متن غائب: الْمَرْءُ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ : (شناخت) انسان در زیر زبانش نهان

است(دشتی، ۱۳۸۰: ۵۴۶)

متن حاضر: تا مرد سخن نگفته باشد / عیب و هنرش نهفته باشد(سعدی، ۱۳۷۴: ۲۱۹)

عملیات بینامتنی:

همگان معتقدند که زبان آدمی را فضیحت و رسوا می کند. سعدی معتقد است که از طرز سخن گفتن آدمی، توان به فضل و هنر افراد پی برد. لذا به خوبی می توان در سخن سعدی شیرازی، رنگ و روی کلام حضرت علی ابن ابی طالب علیه السلام را دید.

۴-۲-۵. هر سخن وقتی و هر نکته مکانی دارد

متن غائب:

لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ وَ كَانَ اللَّهُ سَمِيعاً عَلِماً : خداوند دوست ندارد کسی با سخنان خود، بدیها(ی دیگران) را اظهار کند؛ مگر آن کس که مورد ستم واقع شده باشد. خداوند، شنوا و داناست(نساء/ ۱۴۸).

متن حاضر:

دو چیز طیره عقل است؛ دم فرو بستن به وقت گفتن و گفتن به وقت خاموشی.

(سعدی، ۱۳۷۴: ۱۳۵)

عملیات بینامتنی:

سخن گفتن و به قول خود سعدی دُر سفتن یکی از مواردی است که شیخ سخن گستر شیراز به خوبی بر آن وقوف کامل داشته و معتقد است که باید در سخنوری و وعظ موقعیت را سنجید. می توان در آئینه ی کلامش اشاره ای گذرا به آیه نورانی فوق را دید.

۵-۲-۵. گشاده رویی

متن غائب:

« قَالَ عَلِيٌّ ابْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بِالْبِشْرِ وَ بَسَطِ الْوَجْهِ يَحْسُنُ مَوْعِزُ الْبَدَلِ: با گشاده رویی و خوشرویی، بخشش ارزش پیدا می کند(خوانساری، ۱۳۶۶: ۲۳۲/۲).

متن حاضر: سعدی در مذمت تند خوئی و دعوت به خوش رویی حکایتی آورده است:

«درویشی را ضرورتی پیش آمد. کسی گفت: فلان نعمتی دارد بی قیاس، اگر بر حاجت تو واقف گردد، همانا که در قضای آن توقف روا ندارد. گفت: من او را ندانم. گفت منت رهبری

کنم. دستش گرفت تا به منزل آن شخص درآورد. یکی را دید لب فروهشته و تند نشسته. برگشت و سخن نگفت؛ کسی گفتش: چه کردی؟ گفت: عطای او را به لقایش بخشیدم

میر حاجت به نزد ترشروی
که از خوی بدش فرسوده گردی

اگر گویی غم دل با کسی گوی

(سعدی، ۱۳۷۴: ۲۵۵)

عملیات بینامتنی

یکی از برجسته‌ترین صفت‌هایی که در معاشرت‌های اجتماعی، موجب جلب محبت می‌شود و در اثربخشی سخن فرد بر دیگران، اثری شگفت‌انگیز دارد، حسن خلق و گشاده رویی است. حسن خلق، افزون بر آنکه دارای پاداش اخروی است، آثار دنیوی فراوانی نیز برای انسان به همراه دارد. خوش خلقی، پیوندهای دوستی را محکم و پایدار می‌کند. که گویا در پرده و کنایه وار سعدی شیرین سخن، گوشه‌ی چشمی به حدیث نورانی علوی داشته است.

۶-۲-۵. مناعت طبع

متن حاضر :

حضرت محمد ابن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم:

قَلْبُهُ طَلَبُ الْحَوَائِجِ مِنَ النَّاسِ هُوَ الْغِنَى الْحَاضِرُ وَ كَثْرَةُ الْحَوَائِجِ إِلَى النَّاسِ مَدْلَةٌ وَ هُوَ الْفَقْرُ الْحَاضِرُ؛ کم خواهش کردن از مردم، بی‌نیازی حاضر و زیاد خواهش کردن از مردم، خواری و فقر حاضر است» (مجلسی، ۱۳۸۰: ۷۴/۱۱).

متن غائب: سعدی این موضوع را در حکایتی دلنشین بیان کرده است :

«حاتم طایی را گفتند: از تو بزرگ همت‌تر در جهان دیده‌ای یا شنیده‌ای؟ گفت: بلی، روزی چهل شتر قربان کرده بودم امرای عرب را؛ پس به گوشه صحرائی به حاجتی برون رفته بودم، خارکنی را دیدم پشته فراهم آورده. گفتمش: به مهمانی حاتم چرا نروی که خلقی بر سمات او گرد آمده اند؟ گفت:

هر که نان از عمل خویش خورد / منت حاتم طائی نبرد

من او را به همت و جوانمردی از خود برتر دیدم.» (سعدی، ۱۳۷۴: ۲۵۹)

عملیات بینامتنی :

داشتن همت بلند و به تعبیری بلند نظری، یکی از صفات و سجایای نیک اخلاقی است که سعدی به خوبی در قالب حکایتی تأثیر گذار بیان کرده است. گویا وی اشاره ای در این

حکایت به این سخن نورانی مولا علی ابن ابی طالب علیه السلام داشته است، آن جا که فرمود: ارزش مرد به اندازه همت اوست و صدق او به مقدار جوانمردی اش و

۷-۲-۵. افشا نکردن اسرار

متن غائب :

حضرت علی ابن ابی طالب علیه السلام : مَنْ كَتَمَ سِرَّهُ كَانَتْ الْخَيْرَةُ بِيَدِهِ: آن که راز خود را نهان داشت ، اختیار را به دست خویش گذاشت (دستی ، ۱۳۸۰: ۳۹۱).

متن حاضر : سعدی نیز همین مضمون را در گلستان آورده است : رازی که نهان خواهی با

کس در میان منه

خامشی به که ضمیر دل خویش با کسی گفتن و گفتن که مگوی

ای سلیم آب ز سرچشمه ببند که چو پر شد نتوان بستن جوی

(سعدی، ۱۳۷۴: ۶۷)

عملیات بینامتنی :

در دین مبین اسلام یکی از صفات پسندیده ی اخلاقی که بسیار بر آن تأکید شده است، رازداری و پوشیدن راز خویش از دیگران است. در زندگی فردی و اجتماعی انسان، اموری وجود دارد که فاش شدن آنها و در نتیجه، آگاه شدن دیگران از آنها، نه تنها منافع فرد را به خطر می اندازد و مخاطراتی برایش به همراه می آورد، بلکه ممکن است اشخاص مرتبط با وی را نیز متأثر کند. گاهی نیز فاش شدن این امور که از آنها به عنوان راز نام برده می شود، صرفاً خود شخص را درگیر نمی کند و بلکه روی دیگران نیز تأثیر می گذارد. چنان که مشاهده می شود، سعدی علیه الرحمه در قالب حکایت، کلام خویش را به سخن مولای متقیان می آراید و تأثیر کلامش را مضاعف می کند.

۳-۵. بینامتنیت شخصیت

۱-۳-۵. حضرت محمد ابن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم :

متن غائب:

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا :

خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستد؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، بر او درود

فرستید و سلام گویند و کاملاً تسلیم (فرمان او) باشید. (الأحزاب / ۵۶). متن حاضر : در خبر

است که سرور کاینات و مفخر موجودات و رحمت عالمیان و صفوت آدمیان و تتمه دور زمان محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم

شفیع مطاع نبی کریم /قسیم جسیم نسیم و سیم

چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان / چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان
بلغ العلی بکماله کشف الدجی بجماله / حسنت جمیع خصاله صلوا علیه و آله (سعدی، ۱۳۷۴)
(۲۱) :

عملیات بینامتنی :

سعدی شیرین سخن در گلستان نگارین خویش، در همان دیباچه برای تیمن و تبرک کلام خویش، نام نامی حضرت محمد ابن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم را می آورد و این گونه درود بر ساحت مقدس نبوی می فرستد که حسنت جمیع خصاله صلوا علیه و آله، که اشاره به آیه ی فوق می باشد.

۲-۳-۵. یوسف:

متن غائب:

قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَنِي فِيهِ وَ لَقَدْ رَاودَتْهُ عَن نَّفْسِهِ فَاَسْتَعْصَمَ وَ لَئِن لَّمْ يَفْعَلْ مَا أَمَرُهُ لَيَسْجُنَنَّ وَ لَيَكُونَأَنَّ مِنَ الصَّاغِرِينَ : (همسر عزیز) گفت: «این همان کسی است که بخاطر (عشق) او مرا سرزنش کردید! (آری،) من او را به خویشتن دعوت کردم؛ و او خودداری کرد! و اگر آنچه را دستور می دهم انجام ندهد، به زندان خواهد افتاد؛ و مسلماً خوار و ذلیل خواهد شد!» (یوسف ۳۲/)

متن حاضر:

یکی را از ملوک عرب، حدیث مجنون لیلی و شورش حال او بگفتند ... : بگفتندش تا حاضر آوردند و ملامت کردن گرفت ... گفت:

کاش آنان که عیب من جستند/ رویت ای دلستان بدیدندی

تا بجای ترنج در نظرت/ بی خبر دستها بریدندی (سعدی، ۱۳۷۴ : ۳۸۷)

عملیات بینامتنی:

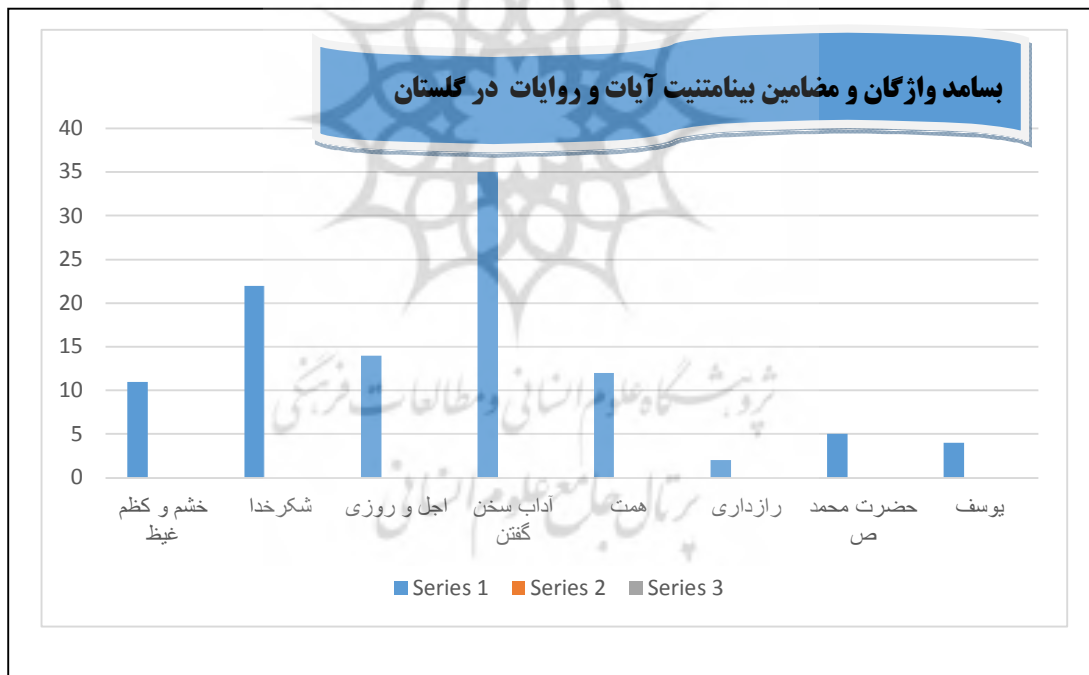
سعدی شیرازی با عنایت به ماجرای ترنج و بریدن دست در ماجرای حضرت یوسف، گویا اشاره ای به آیه ی فوق داشته و از این داستان ماجراهایی را در مورد لیلی و مجنون بیان می کند.

۳-۳-۵. یونس

متن غائب: فَأَلْتَقَمَهُ الْخُوتُ وَ هُوَ مُلِيمٌ : (او را به دریا افکندند) و ماهی عظیمی او را بلعید، در حالی که مستحق سرزنش بود! (الصافات/ ۱۴۲)

متن حاضر: قرص خورشید در سیاهی شد / یونس اندر دهان ماهی شد (سعدی، ۱۳۷۴: ۴۱۰) عملیات بینامتنی:

سعدی شیرین سخن که از حضرت یونس سخن به میان می آورد، در تشبیهی بلیغ فرو رفتن این پیامبر الهی را در دهان ماهی، هم چون غروب خورشید در دل ظلمات می داند که به درستی آن را در کلامش گنجانده است. چنان که ملاحظه می شود آن چه گلستان را نگارین و به قول خود سعدی آن را همیشه خوش کرده است، می توان از دیدگاه بینامتنیت استفاده ی فراوان سعدی از آیات و روایات به خصوص سخنان مولا علی ابن ابی طالب علیه السلام در نهج البلاغه دانست که چنین سخنش را شیرین و تأثیر گذار کرده است. نمودار زیر برخی از مضامین و واژگان بینامتنیت قرآن و نهج البلاغه در گلستان را نشان می دهد که بیشترین مورد آداب سخن گفتن را به خود اختصاص داده است، چرا که سعدی خود یک سخنور است و سعی دارد هم چون حکیمی فرزانه، به تربیت و تعلیم مخاطبان خویش بپردازد.



۶. نتیجه

از دیدگاه بینامتنیت هر متنی در آن واحد، هم متأثر از متون پیشین خود بوده و هم تأثیر گذار بر متون بعد از خود خواهد بود. در حقیقت بینامتنی یعنی خواندن متن با توجه به متون دیگر. بدون شک هر شاعر و ادیب و مسلمان که از دین مبین اسلام و کتب دینی تأثیر پذیرفته است سعی می‌کند تا در لابه لای اشعار و سخنان خویش، الفاظ و عباراتی از آیات کلام الله و روایات اهل بیت علیهم السلام را در نوشته‌ی خویش متجلی و منعکس می‌سازد. یکی از این نویسندگان زبر دست، سعدی شیرازی است که در حد وسیعی از آیات نورانی قرآن کریم و به تبع آن روایات و به ویژه نهج البلاغه حضرت علی ابن ابی طالب علیه السلام استفاده کرده است. این مورد را می‌توان یکی از رازهای طراوات و ماندگاری گلستان همیشه خوشش به حساب آورد. بینامتنیت قرآنی و نهج البلاغه در سخنان این شاعر و عارف بزرگ، در اشکال مختلفی هم چون واژگان و معنا و شخصیت جلوه گر شده است. وی از واژگان و عبارات قرآنی و مضامین نهج البلاغه به طور گسترده‌ای در کلام خویش استفاده نموده است. می‌توان یکی از رازهای مانایی و نیز جذاب بودن گلستان همیشه خوش سعدی را در پیوند و ارتباط ناگسستنیش با آیات و روایات اهل بیت علیهم السلام دانست.

۷. منابع:

قرآن کریم

- نجینو، مارک (۱۹۸۷)، فی أصول الخطاب النقدي الجديد، ترجمه احمد المدینی، بغداد: دار الشؤون الثقافیه العامه.
- حقیقت، عبدالرفیع. (۱۳۶۸). فرهنگ شاعران زبان پارسی، تهران: سخن.
- خواساری، سید جمال. (۱۳۶۶). شرح آقا جمال خوانساری، تهران: دانشگاه تهران.
- خزائلی، محمد. (۱۳۶۹). شرح بوستان، تهران: جاویدان.
- دشتی، محمد. (۱۳۸۰). ترجمه نهج البلاغه، قم: امیر المؤمنین.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۹). حدیث خوش سعدی، تهران: سخن.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۴). پله پله تا ملاقات خدا، تهران: امیر کبیر.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۱). یاد داشت‌ها و اندیشه‌ها، تهران: اساطیر.
- رزمجو، حسین. (۱۳۷۰). انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، مشهد: آستان قدس.
- سعدی، مصلح ابن عبدالله. (۱۳۷۴). کلیات، با مقدمه عباس اقبال، تهران: اقبال

- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۸). گزیده غزلیات مولوی، تهران: نشر و پژوهش دادار.
- صفا، ذبیح الله. (۱۳۵۱). تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳، تهران: چاپ دانشگاه تهران.
- قمشه ای، حسین. (۱۳۸۱). ۳۶۵ روز با سعدی، تهران: نشر سخن.
- مجلسی، سید محمد باقر. (۱۳۸۰). بحار الانوار، قم: نور
- مکاریک، ایرناریما (۱۳۸۵)، دانش نامه ی نظریات ادبی معاصر، ترجمه ی مهران نجفی و محمد نبوی، چاپ دوم، موحدی، محمد رضا. (۱۳۷۷). سلسله ی سخنوران، تهران: نوین.
- موسوی همدانی، سیدمحمدباقر. (۱۳۷۴ ش). ترجمه تفسیرالمیزان، قم: انتشارات اسلامی
- جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم
- هانری ماسه. (۱۳۶۴). تحقیق در باره ی سعدی، ترجمه ی محمد حسن مهدوی اردبیلی و غلامحسین یوسفی، تهران: نشر جاویدان.
- وصال، حسین. (۱۳۴۹). معجزات شعر و سخن پارسی، تهران: پدیده.
- یوسفی، غلام حسین. (۱۳۷۴). در آرزوی خوبی و زیبایی، تهران: نشر سخن.

